

بررسی عوامل مهاجرت از افغانستان با تاکید بر مهاجرت نخبگان از کشور

Factors Driving Migration from Afghanistan with Emphasis on the Recent Wave and the Emigration of Elites

عبدالرحمن کریمی^۱

DOI: 10.64104/v10.Issue17.n45.2025

چکیده

زمینه و هدف: مهاجرت در افغانستان پیشینه‌ای طولانی دارد و تمامی اشکال آن، از جمله آوارگی و پناهجویی، در تاریخ سیاسی این کشور تجربه شده است. هدف از انجام پژوهش حاضر دریافت پاسخ این پرسش است که، عوامل کلیدی مؤثر بر مهاجرت نخبگان، به ویژه نخبگان کشور، چه بوده و چگونه این عوامل بر تصمیم‌گیری‌های مهاجرت تأثیر گذار اند؟

روش بررسی: در این پژوهش از روش کیفی با شیوه مصاحبه "نیمه ساختاریافته" استفاده شده است. در این راستا، با بیست نفر از صاحب‌نظران سیاسی-اجتماعی و دانشگاهی مصاحبه شده است. داده‌های این مصاحبه پس از انتخاب و رمزگذاری مفاهیم، وارد مرحله تحلیل شده و با نرم‌افزار "ان‌وی‌وو ۱۲" به روش تحلیل مضمون بررسی گردیده‌اند.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهند که عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی-اجتماعی و آموزشی به‌عنوان محرک‌های اصلی مهاجرت نخبگان از افغانستان عمل نموده‌اند. این عوامل نه تنها در کشور مبدأ، بلکه در کشورهای مقصد نیز تأثیرگذار اند.

نتیجه‌گیری: این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مهاجرت شهروندان افغانستان به خارج از کشور نقش بسزایی دارند. عوامل اقتصادی مانند نبود فرصت‌های شغلی و فقر؛ مسائل مربوط به آزادی‌های شهروندی به‌عنوان دافعه سیاسی و در نهایت، کمبود فرصت‌های تحصیلی و خدمات اجتماعی، انگیزه‌های اجتماعی-فرهنگی برای ترک کشور را تقویت می‌کند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، فرار مغزها، نخبگان، افغانستان، عوامل مهاجرت.

^۱. استاد رشته، حقوق بین الملل عمومی، همکار مرکز تحقیقات علمی پوهنتون غالب هرات؛ karimiabdurahman205@gmail.com

چکیده

مهاجرت در افغانستان دارای پیشینه‌ای طولانی است و این کشور به دلیل جنگ و بحران‌های مداوم، در چهار دهه اخیر محل وقوع بسیاری از مهاجرت‌ها بوده است. افغانستان به عنوان یکی از معدود کشورهایی بوده که انواع مختلف مهاجرت را تجربه کرده است، با مفاهیمی چون "آوارگی"، "پناه‌جویی" و "فرار از کشور" در هم تنیده است. همچنین، اصطلاح "بی‌جاشدگان داخلی" در طول دهه‌ها جنگ و نابسامانی، به یکی از مفاهیم رایج سیاسی و خبری تبدیل شده است.

مهاجرت در افغانستان به دلیل تأثیرات عمیق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، نیاز به بررسی دقیق و جامع دارد. پژوهش حاضر با تمرکز بر عوامل مهاجرت، به ویژه "فرار مغزها"، به دنبال پرکردن خلل‌های موجود در ادبیات تحقیقاتی است. با وجود اینکه بسیاری از پژوهش‌ها به بررسی خاصی از این مسئله پرداخته‌اند، هیچ‌یک از آن‌ها به طور جامع به ابعاد ملی و فردی فرار نخبگان نپرداخته‌اند. بنابراین، مطالعه عوامل مهاجرت نخبگان از افغانستان، نه تنها یک ضرورت علمی، بلکه یک نیاز ملی است که می‌تواند به درک بهتر این پدیده کمک کند و به عنوان مبنای تحقیقات آینده و سیاست‌گذاری‌های عمومی مورد توجه قرار گیرد. هدف از این تحقیق بررسی عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی-اجتماعی و آموزشی به عنوان محرک‌های اصلی مهاجرت نخبگان است که با روش کیفی از طریق مصاحبه "نیمه ساختاریافته" انجام شده است.

ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که، مقاله حاضر از کتاب تحقیقی گروه پژوهش شورای متخصصان هرات² (دکتر نجیب الرحمن حدید، عبدالرحمن کریمی، نذیر احمد سدید «نوری»، راضیه طیب‌زاده و هارون حکیمی) با امتیاز نهاد متذکره در سال 1403 ه.ش، تحت عنوان "عوامل و پیامدهای مهاجرت در افغانستان با تمرکز بر موج اخیر و مهاجرت نخبگان از کشور"³ استخراج گردیده است. همچنین، استخراج این مقاله از کتاب مزبور، با اجازه رئیس شورای متخصصان هرات و مشوره گروه پژوهش، انجام شده است.

پیشینه تحقیق

تحقیقات متعددی در زمینه مهاجرت در افغانستان صورت گرفته است که به جنبه‌های جامعه‌شناختی، اقتصادی، روان‌شناختی و فرهنگی این پدیده توجه دارند. این پژوهش‌ها به بررسی عوامل مهاجرت نخبگان در افغانستان پرداخته است. همچنین، بررسی تجربیات کشورهای میزبان و سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها در راستای پذیرش مهاجران نیز از جمله موضوعاتی است که در این تحقیقات مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه، خلاصه‌ای از مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با عوامل مؤثر در مهاجرت از افغانستان مرور خواهد شد.

در پژوهش دیگری، اکبری و دیگران (2023)⁴ با عنوان "بررسی دلایل مهاجرت داخلی در افغانستان" و بادر نظر داشت وضعیت دو گروه مهاجرت‌کننده به کابل، (گروه اول: 2002-2009) و گروه دوم (2010-2018)، دریافته‌اند که کسانی که بین سال‌های 2010 تا 2018 میلادی، در مقایسه با گروه مرجع (2002-2009)، مهاجرت کردند، تحت تأثیر عوامل فشار کشش اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، سلامت و مسائل امنیتی قرار می‌گیرند. نتایج این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که ضریب کشش اقتصادی و عوامل فشار کشش امنیتی، با فاصله اطمینان 90٪، بیشترین اثرگذاری را بر مهاجرت داخلی داشته است.

نتیجه پژوهشی که ارول و ابوزر (2022)⁵ با عنوان "دلایل مهاجرت از افغانستان به ترکیه: مثال منطقه اژه"، انجام داده‌اند نشان می‌دهد که 1.38٪ درصد افراد این نمونه، به دلیل جنگ، 8.4٪ درصد به دلیل مشکلات اقتصادی، 4.33٪ درصد به دلیل دشمنی و

² <https://www.heratps.org/>

³ <https://www.heratps.org/research/>

⁴ Akbary et al., (2023)

⁵ EROL & Abuzar, 2022

مخالفت‌های قومی و خانوادگی و ۸.۲۳٪ درصد به دلایل دیگر، مهاجرت کرده‌اند. در این تحقیق، عامل اصلی مهاجرت مردم افغانستان به ترکیه جنگ و خصومت‌های قومی و خانوادگی تعریف شده است.

پژوهش‌های هاشمی و اوزی (۲۰۲۰)^۶ در مورد "بررسی عوامل سیاسی مهاجرت افغانستان" به این نتیجه رسیده که افغانستان یکی از بزرگترین کشورهای دارای جمعیت مهاجر در جهان است. در این پژوهش، یکی از عوامل کلیدی در مهاجرت افغان‌ها جنگ عنوان شده است. از سوی دیگر، رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایجاد شده در افغانستان، به ویژه در بین کشورهای همسایه در منطقه، به افزایش مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای ایران، ترکیه، کشورهای اروپایی و آمریکا منتهی شده است. همچنین، در نتایج این تحقیق آمده که موجودیت مخالفت‌های سیاسی در کشور و عدم تأمین منافع فردی و گروهی نیز بر مهاجرت مردم اثرگذار بوده است.

پژوهش صدیقی و دیگران (۱۳۹۹) با عنوان "بررسی مهاجرت و تأثیر آن (مطالعه موردی: افغانستان)"، به این نتیجه رسیده که اکثر مردم، به دلایل اقتصادی مهاجرت می‌کنند. براساس یافته‌های این پژوهش، عوامل فرهنگی و محیطی نیز می‌توانند از جمله دلایل مهاجرت مردم افغانستان باشند ولی نه به اندازه‌ای که دلایل اقتصادی در این امر "موفقانه" عمل کرده است.

مفهوم مهاجرت

از نظر لغوی، مهاجرت در زبان فارسی به معنای از جایی به جایی دیگر رفتن و در آن‌جا منزل کردن، دوری از شهر و دیار خود (آدینه، ۱۳۹۵: ۴)؛ ترک کردن دوستان و خویشاوندان و خارج شدن از نزد آن‌ها، فرار از ولایتی به ولایت دیگر از ظلم و تعدی، بریدن از جایی به دوستی جایی دیگر، ترک دیار گفتن و در مکان دیگری اقامت کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۱۶۲).

از نظر اصطلاحی، مهاجرت عبارت از حرکت موقتی یا دائمی اشخاص و یا گروهی از مردم از یک جغرافیا به جغرافیای دیگر است (کوئن، ۱۳۸۲: ۲۸۴). یا به تعبیر اورت اس. لی (۱۹۶۶: ۴۹)^۷، مهاجرت به طور کلی تغییر دائمی یا نیمه‌دائمی محل سکونت است. در تعریف دیگر، می‌توان گفت که مهاجرت مجموعه از فرایندها با ابعاد مختلف است که به عبور از مرزهای سیاسی کشور، به صورت فردی، خانوادگی و گروهی، انجام یافته که این فرایند به اقامت افراد در جغرافیای جدید می‌انجامد (زرقانی و موسوی، ۱۳۹۲: ۹). رولان پرسا (رومینا و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۰) مهاجرت را حرکات افراد یا گروهایی می‌داند که تغییر دائمی یا طولانی محل اقامت معمولی فرد را به دنبال دارد. در جامعه‌شناسی، مهاجرت را حرکت جمعی همراه با نقل مکانی دارای ارزش‌ها و اهداف فرهنگی خاصی می‌دانند، که پس از مهاجرت به وجود می‌آید (آدینه، ۱۳۹۵: ۵). همچنین در یک تعریف دیگر، از نظر جامعه‌شناسان، تحرک جمعیت از یک موقعیت جغرافیایی به موقعیت جغرافیایی دیگر مهاجرت گفته می‌شود (صبوحی لکی، ۱۳۹۴: ۲؛ حسینی و هاشمی، ۱۳۹۵: ۷۰).

فرد ممکن است به هر دلیلی کشور خود را ترک کرده و در کشوری زندگی کند که تابعیت آن را ندارد و اصولاً به چنین افرادی بیگانه، اجنبی و یا خارجی گفته می‌شود (عبدالله، ۱۳۹۷: ۷۶؛ فراهمل، ۱۳۹۷: ۱۳۱). این بیگانه‌ها از نظر حقوقی ممکن است در قالب‌های مختلفی چون "مهاجر"، "پناهنده" و یا "آواره" جای بگیرند. بر اساس تعریف سازمان ملل متحد، بنابر دلایل آماری، مهاجر کسی است که به کشوری غیر از کشورهای که تابعیت آن را دارد، وارد شده و حداقل ۱۲ ماه در آن کشور اقامت کند (مقدس و شرفی، ۱۳۸۸: ۱۶۴).

انواع مهاجرت

از نظر مکانی: مهاجرت از نظر مکانی به مهاجرت داخلی و بین المللی تقسیم می‌شود. در مفهوم اول، جابجائی در داخل یک کشور (زرقانی و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۲). و در مفهوم دوم تغییر محل زندگی از یک کشور به کشور دیگر است. (اصلانی، ۱۳۸۸: ۶۰).

^۶ Hashemi & Ozey, 2020

^۷ Everett S. Lee, 1966

اگر میزان مهاجرت از داخل به خارج در یک سال بیشتر از مهاجرت از خارج به داخل باشد، به این پدیده مهاجرت "منفی" می‌گویند. (آدینه، 1395: 6).

از نظر شکل: از نظر شکلی مهاجرت به فردی و گروهی تقسیم می‌شود. در مفهوم اول مهاجرت به‌طور انفرادی (زنجانی، 1380: 15؛ رومینا و دیگران، 1399: 32). و در مفهوم دوم مهاجرت به‌گروهی با توجه به اشکال خانوادگی، قومی و یا دینی صورت می‌گیرد. (زررقانی و موسوی، 1392: 12؛ رومینا و دیگران، 1399: 32).

از نظر ماهیت: مهاجرت اجباری؛ این نوع مهاجرت به‌دلیل عوامل بیرونی و اجبارکننده‌ای مانند قحطی، زلزله، جنگ و ناآرامی‌ها صورت می‌گیرد. مهاجرت اختیاری؛ این نوع مهاجرت بدون اجبار و به‌صورت انتخاب آزادانه انجام می‌شود. (زررقانی و موسوی، 1392: 12؛ عبدالله، 1397: 76 و 77؛ فراهمل، 1397: 135 و 136).

از نظر زمانی: مهاجرت دائمی، در این نوع مهاجرت، فرد قصد بازگشت به محل قبلی خود را ندارد و برای مدت طولانی یا برای همیشه در کشور مقصد می‌ماند (زررقانی و موسوی، 1392: 12؛ جانتن و دیگران، 1394: 169). مهاجرت موقت، این نوع مهاجرت به‌منظور بازگشت به محل اقامت اولیه انجام می‌شود و معمولاً برای کارهای موقت، تحصیل یا تجارت صورت می‌گیرد (زررقانی و موسوی، 1392: 12؛ جانتن و دیگران، 1394: 169).

از نظر حقوقی: مهاجرت قانونی؛ این نوع مهاجرت زمانی است که فرد با مجوز قانونی از کشور میزبان وارد آن کشور می‌شود. مهاجرت غیرقانونی؛ این نوع مهاجرت به ورود و اقامت افراد در یک کشور بدون رعایت قوانین مهاجرت آن کشور اطلاق می‌شود. (زررقانی و موسوی، 1392: 12؛ آدینه، 1395: 5).

از نظر انگیزه: از این جهت مهاجرت ممکن است که انگیزه اقتصادی، سیاسی و یا اجتماعی «شرایط بهتر» داشته باشد. (رومینا و دیگران، 1399: 32 و اسدی‌پور و دیگران، 1397: 4).

مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها

مهاجرت نخبگان یا "فرار مغزها" به وضعیتی اشاره دارد که افراد با استعداد و متخصص از کشورهای خود به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند. این پدیده، که از دهه 1960 میلادی به‌عنوان یک موضوع اجتماعی مورد توجه قرار گرفته، به‌نوعی اجبار در مهاجرت نیروی کار ماهر از سرزمین مبدأ اشاره دارد. در این وضعیت، کشور مبدأ به این نیروی کار نیاز دارد اما توان نگهداری آنان را ندارد (مفتخری و دیگران، 1402: 156؛ بزرگ‌زاد و دیگران، 1399: 299).

الف: ویژگی‌ها و آثار مهاجرت نخبگان

مهاجرت نخبگان: شامل جابه‌جایی متخصصان در علوم و فنون مختلف، نوابغ، داکتران، استادان دانشگاه‌ها و صنعت‌گران از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته است (رسمتی حصوری، 1393: 96).

دو رویکرد نظری در مورد آثار مهاجرت نخبگان برای کشور مبدأ وجود دارد:

1. رویکرد منفی: این دیدگاه معتقد است که فرار مغزها به اقتصاد کشور مبدأ آسیب می‌زند و باعث کمبود نیروی انسانی متخصص و کاهش تولید می‌شود.

2. رویکرد مثبت: این دیدگاه بر پیامدهای مثبت فرار مغزها تأکید دارد و معتقد است که مهاجرت نیروی متخصص می‌تواند به نفع کشور مبدأ باشد و منافع کشور میزبان را نیز تأمین کند (رستمی، 1394: 51-53).

مجموعه‌ای از رویکردهای نظری مانند نظریه جهانی‌شدن، نظریه محرومیت نسبی و نظریه بازار کار دوگانه به تحلیل این پدیده می‌پردازند (مفتخری و دیگران، 1402: 156). همچنین، پژوهشگران مختلف عواملی مانند همجواری جغرافیایی، وضعیت اقتصادی، جنگ، و محیط اجتماعی را در مهاجرت نخبگان مؤثر می‌دانند (مفتخری و دیگران، 1402: 157؛ عسگری و دیگران، 1387: 7، 8). به‌طور کلی، عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان شامل ساختار ناکارآمد نظام آموزشی، بروکراسی پیچیده، و کمبود امکانات پژوهشی

است (مفتخری و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۵۷ و ۱۵۸). در سال‌های اخیر، کشورهای توسعه‌یافته مانند انگلیس و کانادا شاهد مهاجرت چشم‌گیر نخبگان بوده‌اند (حسینی، ۱۳۹۵: ۶۴).

ب: عوامل مهاجرت نخبگان

مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها تحت تأثیر دو عامل اصلی، کشش و فشار، قرار دارد. این عوامل می‌توانند به‌طور همزمان یا جداگانه بر میزان و شدت مهاجرت نخبگان تأثیر بگذارند.

۱. عوامل کشش

عامل کشش به فرصت‌ها و مزایای موجود در کشور مقصد اشاره دارد که نخبگان را به مهاجرت ترغیب می‌کند. این فرصت‌ها شامل:

۱. فرصت‌های شغلی: دسترسی به مشاغل با درآمد بالا و پیشرفت شغلی؛
۲. نظام آموزشی و تحقیقاتی: وجود دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی معتبر؛
۳. زندگی و فرهنگ: محیط زندگی مناسب و امنیت کافی؛
۴. زیرساخت‌های فنی: فناوری‌های پیشرفته و دسترسی به منابع فناوری (حسینی، ۱۳۹۵: ۶۴).

۲. عوامل دافعه

عوامل دافعه، به محدودیت‌ها و مشکلات موجود در کشور مبدأ اشاره دارد که نخبگان را به جستجوی فرصت‌های بهتر سوق می‌دهد. این عوامل شامل:

۱. کمبود فرصت‌های شغلی: عدم فرصت‌های مناسب برای رشد حرفه‌ای؛
۲. سیاست‌های نامناسب: کمبود اعتماد به نظام سیاسی و اقتصادی؛
۳. عدم توجه به مهارت‌ها: عدم ارزش‌گذاری بر توانمندی‌های نخبگان؛
۴. عوامل اجتماعی و فرهنگی: عدم تطابق با محیط اجتماعی و فرهنگی (رستمی، ۱۳۹۴: ۴۹).

موج اخیر مهاجرت از افغانستان

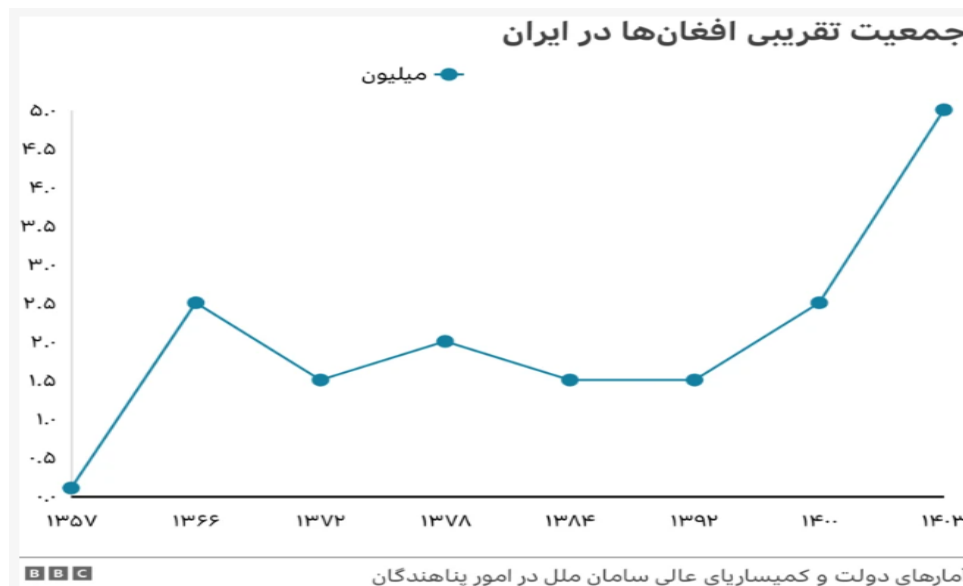
مهاجرت‌ها در افغانستان به‌صورت امواج چندگانه و متداخل قابل دسته‌بندی‌اند. شمیدل (۲۰۱۹) این امواج را در هفت مرحله، از وقوع کودتای کمونیستی در سال ۱۳۵۷ تا سقوط جمهوریت در سال ۱۴۰۰، بررسی کرده است.

موج جدید مهاجرت، پس از تحولات سیاسی اخیر، روند مهاجرت نخبگان را، که از قبل در کشور آغاز شده بود، شدت بخشید. این موج، که بیشتر در ذیل برنامه "تخلیه" آغاز شده، شامل تخلیه بسیاری از نخبگان حوزه‌های مختلف در کشور می‌شود و از این‌رو، در باور بسیاری از نخبگان به‌عنوان "فرار مغزها" تعریف شده است. درین موج، تعداد قابل ملاحظه‌ای از نخبگان و فعالان اجتماعی از جمله اساتید دانشگاه، روزنامه‌نگاران و غیره، تحت برنامه "تخلیه" از افغانستان خارج شدند.

تخلیه مردم افغانستان در چندین مرحله و با همکاری بین‌المللی انجام شد. ابتدا، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مأموریت‌های خود را در افغانستان به پایان رساندند و سپس عملیات تخلیه فوری آغاز شد (مفتح، ۱۴۰۰). ایالات متحده و اتحادیه اروپا برنامه‌های خاصی برای اخذ ویزا و اجازه‌های ورود سریع برای افغان‌ها راه‌اندازی کردند و سازمان‌های بین‌المللی نیز در این فرایند نقش مهمی ایفا کردند. در حال حاضر، برخی به کشورهای همسایه رفته و سعی دارند از طریق مرزها وارد این کشورها شوند (رادیو آزادی، ۱۴۰۲). همچنین، کشورها برنامه‌های مهاجرت و پناهندگی ویژه‌ای برای مردم افغانستان اجرا می‌کنند (دنيسون، ۲۰۲۲).

بر اساس گزارش ملل متحد، تا حدود یک سال قبل، حدود ۹٫۲ میلیون افغان به‌طور اجباری آواره شده‌اند که ۵٫۶ میلیون نفر از آن‌ها در وضعیت پناهندگی قرار دارند. ارقام کمیشنرعالی ملل متحد نشان می‌دهد که، در حال حاضر، ۴٫۵ میلیون مهاجر افغان در ایران و ۳٫۲ میلیون نفر در پاکستان زندگی می‌کنند و همچنین ۲۹۵ هزار افغان درخواست پناهندگی به کشورهای دیگر

داده‌اند. (صدای آمریکا، ۱۴۰۳) بر اساس گزارش این اداره ملل متحد، آلمان، علی‌رغم عدم داشتن مرز مشترک با افغانستان، تا پایان سال ۲۰۲۳ بیش از ۲۵۰۵۰۰ پناهجوی افغان را پذیرفته است. (راديو آزادی، ۱۴۰۳) همچنین، پس از تحولات سیاسی اخیر، ۲۰۰ هزار افغان، ویزای آمریکا را اخذ نموده و در آنجا پناهنده شده‌اند. (کریمی، ۱۴۰۳) افغانستان، سوریه، ونزوئلا، اوکراین و فلسطین از جمله‌ی کشورهای اند که از نظر مهاجرت در سطح جهان، دارای بیشترین آمار و ارقام مهاجرت هستند. (راديو آزادی، ۱۴۰۳)



(بی‌بی‌سی فارسی، ۲۹ اکتبر ۲۰۲۴)

نمودار شماره ۱؛ جمعیت تقریبی افغان‌ها در ایران

چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر، باتوجه به مسئله پژوهش و انطباق با شرایط اجتماعی موجود در میدان، درنظر دارد ساختار نظری و یافته‌های میدانی را با نظریه‌های جهانی علل و انگیزه‌های مهاجرت پشتیبانی کند و از این‌رو، برای تبیین دلایل و انگیزه‌های مهاجرت در افغانستان، مطابق با دلایل و انگیزه‌های عمومی آن در گستره جهانی، از نظریه "جاذبه و دافعه" اورت اس. لی (۱۹۶۶)^۸ استفاده می‌کند. همزمان، پژوهش، طرح نظری ناشی از این نظریه، به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش، را با نظریه‌های دیگری نظیر جاذبه و دافعه روانستاین، نوکلاسیک، دوگانگی بازار کار، اقتصاد جدید مهاجرت و نظریه‌های دیگری که موید مبانی و مولفه‌های این نظریه هستند، تقویت خواهد کرد.

نظریه جاذبه و دافعه - اورت . اس . لی

این نظریه در سال ۱۹۶۶ توسط اورت اس. لی (۱۹۶۶) مطرح شد. نظریه لی اولین نظریه‌ای بود که مهاجرت را در یک چارچوب تکانه- جذب به‌صورت فردی مطرح کرده و به‌ر دوسوی عرضه و تقاضای مهاجرت توجه داشت. لی (۱۹۶۶: ۴۹ و ۵۰) معتقد است که عوامل مثبت و منفی مهاجرت، افراد را به‌سمت مهاجرت و یا عدم مهاجرت سوق می‌دهد. لی (همان) بر نظریه جذب و دفع تاکید کرده و آن را منشاء بروز مهاجرت می‌داند. همزمان، تاکید لی بر موانع مداخله‌گر است؛ آن‌چنان‌که اظهار می‌دارد: بین دو مکان مجموعه‌ای از موانع مداخله‌گر وجود دارد که در مواردی مقدار آن کم و در مواردی نیز این میزان زیاد است. مهم‌ترین مانع مطالعه‌شده فاصله است. البته افراد مختلف تاثیرات متفاوتی را از بین موانع می‌پذیرند. عواملی که برای عده‌ای کم اهمیت

⁸ Everett S. Lee, 1966

هستند (به‌عنوان مثال هزینه سفر) ممکن است برای عدۀ دیگری تحریم‌کننده باشد. عقاید تئوریک اورت اس. لی به مزایا و مضرات مکان مبدأ همانند ظرفیت‌های مکان مقصد و همچنین موانع مداخله‌گر بین دو مکان توجه دارد.

لی، عوامل مهاجرت را به چهار دسته اساسی تقسیم نموده است:

- عوامل مرتبط با منطقه مبدأ مهاجرت است؛
- عوامل مرتبط به کشور مقصد مهاجرت؛
- موانع دخالت‌کننده/ مداخله‌گر و مؤثر در شکل‌گیری مهاجرت و؛
- عوامل شخصی.

نمودار زیر، سه مورد اول، را به‌صورت ساده نشان می‌دهد. به‌نظر لی، در هر منطقه عوامل بی‌شماری وجود دارد که یا افراد آن منطقه را در آنجا نگه می‌دارد و یا این که افرادی را به آن سمت جذب کند. و عوامل دیگری نیز وجود دارد که انگیزۀ تمایل افراد به دفع آن منطقه می‌باشند. این موارد در نمودار به‌صورت علامت (+ و -) نشان داده شده‌اند. همچنین عوامل دیگری وجود دارد که مردم نسبت به آن‌ها بی‌تفاوتند و این عوامل به صورت (o) نشان داده شده است.

برخی از این عوامل بیشتر افراد را به‌شیوۀ مشابه تحت تأثیر قرار می‌دهند درحالی که برخی دیگر، افراد مختلف را از طرق مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهند. لی (همان)، مسئلۀ را به‌صورت ساده با مثال به این شکل بیان می‌دارد که آب‌وهوای خوب جذاب است و آب و هوای بد تقریباً برای همه، نفرت‌انگیز. یک نظام آموزشی خوب از نظر والدین برای فرزندان خردسال (+) در نظر گرفته می‌شود در حالی که مالیات بالا برای یک مرد مجرد، بدون دارائی، که مشمول مالیات نیست، بی‌تفاوت (o) است. واضح است که احتمالاً مجموعه (+ و -) در مبدأ و مقصد برای هر مهاجر و یا حتی مهاجران احتمالی متفاوت باشد که واکنش‌های مشابهی نسبت به مجموعه‌های کلی یکسانی از عوامل را نشان می‌دهد (همان).

لی (همان، 48-55) معتقد است مهاجرت عوامل مختلفی دارد که به کشور مبدأ و مقصد مرتبط است. شرایط، اوضاع و احوال از نظر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و جمعیتی، به دفع نیروی انسانی از یک کشور، و جذب آن به یک کشور دیگر منجر می‌شود. به باور لی، عواملی از قبیل مراکز بزرگ بازرگانی و صنعتی، جریان‌های مهاجرت را به خود جذب می‌کند. فناوری، افزایش وسایل نقلیه، و توسعه صنایع بازرگانی، رکود جمعیتی، نیاز به استعداد یا آموزش‌های ویژه، اقتصاد پویا به‌عنوان یک فرصت، خدمات‌رسانی، امنیت و حفاظت از جان، تأمین نیازهای زندگی و سودآوری بیشتر، فرصت‌ها و نیازهای شغلی و حذف محدودیت‌ها در کشور مقصد، به‌عنوان عوامل جذب، محرک جریان‌های مهاجرتی فراوانی است و تعدادی زیادی از مهاجرین را در خود جذب می‌کنند.

(اورت اس. لی 1966)

نمودار شماره 2: عوامل مبدأ و مقصد و موانع مداخله‌گر در مهاجرت

به اعتقاد لی (همان) این روند اگر کنترل نشود حجم و سرعت مهاجرت‌ها افزایش می‌یابد. همزمان، انواع تبعیض، نوسانات در اقتصاد و چرخه‌های تجاری به طرق مختلف، افزایش تفاوت بین مردم، نا ملایمات سیاسی، قوانین سخت و مالیات‌های سنگین، آب‌وهوای نامناسب، محیط‌های اجتماعی نامناسب در کشور مبدأ، جریان‌های مهاجرت را در پی دارند. تنوع در وضعیت‌های موجود برای افراد، برمهاجرت تأثیر می‌گذارد.

براساس مبانی این نظریه (همان)، در مناطقی که از نظر نژاد یا منشأ قومی، تحصیلات یا درآمد تفاوت وجود داشته باشد، نسبت به مناطقی که در آن‌ها، وضعیت‌های یادشده یکسان باشند، روندهای مهاجرت بیشتر صورت می‌گیرد؛ مردم کشور خود را ترک کرده و به‌دنبال موقعیت بهتر در عرصه‌های مختلف می‌روند و این مسئله می‌تواند در حال افزایش باشد. در این رابطه باید توجه داشت که نه‌تنها عوامل واقعی مبدأ و مقصد، بلکه درک این عوامل باعث مهاجرت می‌شود.

بنابراین، با توجه به دسته بندی اورت اس.لی، می توان عوامل مرتبط به منطقه مبدأ و مقصد، عوامل مداخله گر و شخصی را در موارد زیر تبیین و دسته بندی کرد:

عوامل مرتبط با منطقه مبدأ مهاجرت

1. **عوامل اقتصادی:** شامل فقر، بیکاری، تورم، کساد مالی، میزان بالای مالیات، کشمکش های اقتصادی، کمبود فرصت های شغلی، کاهش درآمد و مشکلات اقتصادی در کشور مبدأ است.
2. **عوامل سیاسی:** شامل ناملایمات سیاسی، تعصب، جنگ، نقض حقوق انسانی و تغییرات سیاسی در کشور مبدأ است.
3. **عوامل اجتماعی و فرهنگی:** شامل، انواع تبعیض، ناسازگاری فرهنگی، مشکلات امنیتی، میزان جرم و جنایت، نارضایتی زندگی و تغییرات اجتماعی در کشور مبدأ می شود.

عوامل مرتبط با کشور مقصد مهاجرت

1. **عوامل اقتصادی:** این عامل، شامل توسعه اقتصادی، تقاضا برای نیروی کار، امنیت سرمایه و تسهیلات با ساختار پایین، فرصت های شغلی، درآمد بالا، رشد اقتصادی، امکانات بهتر و سطح زندگی بالاتر در کشور مقصد است.
2. **عوامل سیاسی:** شامل استقرار نظام های سیاسی، آزادی های عمومی، حقوق انسانی بهتر، آزادی سیاسی و امنیت بیشتر در کشور مقصد است.
3. **عوامل اجتماعی و فرهنگی:** شامل وجود شبکه های اجتماعی و خانواده در کشور مقصد، نظم و قانون، جذابیت های تحصیلی و پژوهشی، تنوع فرهنگی، امکانات آموزشی و بهداشتی بهتر و انتظارات بهتر از زندگی در کشور مقصد است.

موانع مداخله گر و مؤثر در شکل گیری مهاجرت

1. **موانع قانونی و سیاسی:** شامل محدودیت های قانونی و سیاسی برای مهاجرت، سیاست های مهاجرتی سخت گیرانه و موانع قانونی در کشور مقصد مهاجرت است.
2. **موانع اقتصادی:** شامل هزینه های مهاجرت، محدودیت های مالی و اقتصادی در کشور مقصد مهاجرت است.
3. **موانع اجتماعی و فرهنگی:** شامل تبعیض و ناسازگاری فرهنگی در کشور مقصد مهاجرت است.

عوامل شخصی

عوامل شخصی، به صورت کلی شامل مواردی نظیر تمایلات فردی و خانوادگی و سلیقه اشخاص می شود. پژوهش حاضر، تنها از دو دسته عوامل اولی این نظریه، عوامل مربوط به کشور مبدأ و عوامل مربوط به کشور مقصد استفاده می کند. عوامل مداخله گر، به نظر می رسد، در موج اخیر مهاجرت در افغانستان، محل مطالعه نیستند، زیرا موج اخیر، ناشی از "برنامه تخلیه" است که با هزینه و تأمین کشورهای مقصد انجام شده و مهاجرت کنندگان، علاوه بر پرداختن این هزینه ها، از مزایای مالی دیگری نیز برای تأمین مصارف و معیشت، در میان مدت، بهره مند می شوند. همزمان، این پژوهش، از پرداختن به دسته چهارم عوامل، عوامل شخصی، نیز به دلیل احتمالی عدم همخوانی انگیزه های فردی با موضوعیت ملی و قضایای کلان اجتماعی در افغانستان، صرف نظر کرده است.

همان گونه که در آغاز این مبحث اشاره کردیم، در چارچوب نظری این پژوهش، برای تبیین کامل تر مسئله و ایجاد یک چارچوب نظری فراگیر، نظریه جاذبه و دافعه اس.لی را نظریه های دیگر مهاجرتی تقویت می کنیم. این نظریه ها، به رغم تفاوت مبانی، در بسیاری جهات دیدگاه اورت اس.لی را تقویت می کنند.

به‌طور خلاصه "فرصت‌های کاری، فقر، ثبات اقتصادی، مسائل مربوط به آزادی‌های شهروندی، مسئله مردم‌سالاری، مشکلات امنیتی، فرصت‌های تحصیلی، خدمات و امکانات رفاهی و اجتماعی و...، به‌عنوان عوامل دافعه و جاذبه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و پرورش مهاجرت، در افغانستان و کشورهای مقصد، اشاره کرده‌اند.

به لحاظ نظری، امواج مهاجرت در افغانستان، از بسیاری جهات با دیدگاه‌های نظری، در این زمینه، همسو و مطابق است. برای مثال، براساس نظریه دافعه و جاذبه اورت اس. لی (1966)، که در این پژوهش به‌عنوان چارچوب نظری در نظر گرفته شده، مهاجرت عوامل مختلفی دارد که به کشور مبدأ و مقصد مرتبط است. شرایط، اوضاع و احوال از نظر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و جمعیتی، به دفع نیروی انسانی از یک کشور، و جذب آن به یک کشور دیگر منجر می‌شود.

به باور لی (همان)، عواملی از قبیل مراکز بزرگ بازرگانی و صنعتی، جریان‌های مهاجرت را به خود جذب می‌کند. فناوری، افزایش وسایل نقلیه، و توسعه صنایع بازرگانی، رکود جمعیتی، نیاز به استعداد یا آموزش‌های ویژه، اقتصاد پویا به‌عنوان یک فرصت، خدمات‌رسانی، امنیت و حفاظت از جان، تأمین نیازهای زندگی و سودآوری بیشتر، فرصت‌ها و نیازهای شغلی و حذف محدودیت‌ها در کشور مقصد، به‌عنوان عوامل جذب، محرک جریان‌های مهاجرتی فراوانی است و تعدادی زیادی از مهاجرین را در خود جذب می‌کنند.

همزمان، نابرابری، نوسانات در اقتصاد و چرخه‌های تجاری به طرق مختلف، افزایش تفاوت بین مردم، مشکلات سیاسی، قوانین سخت، مالیات‌های سنگین، آب‌وهوای نامناسب، محیط‌های اجتماعی نامناسب و حمل‌ونقل و تجارت در کشور مبدأ، جریان‌های مهاجرت را در پی دارند. تنوع در وضعیت‌های موجود برای افراد، برمهاجرت تأثیر می‌گذارد.

براساس مبانی این نظریه، در مناطقی که از نظر نژاد یا منشأ قومی، تحصیلات یا درآمد تفاوت وجود داشته باشد، نسبت به مناطقی که در آن‌ها وضعیت‌های یادشده یکسان باشند، روندهای مهاجرت بیشتر صورت می‌گیرد؛ مردم کشور خود را ترک کرده و به‌دنبال موقعیت بهتر در عرصه‌های مختلف می‌روند و این مسئله می‌تواند در حال افزایش باشد. در این رابطه باید توجه داشت که نه‌تنها عوامل واقعی مبدأ و مقصد، بلکه درک این عوامل باعث مهاجرت می‌شود.

بنابراین، به لحاظ نظری، پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش درباره عوامل مهاجرت‌ها، به‌ویژه موج اخیر مهاجرت در کشور، با عوامل دافعه (در افغانستان) و عوامل جاذبه (در کشورهای غربی) نظریه جاذبه و دافعه اورت اس. لی پوشش مشترک دارد.

به لحاظ یافته‌های میدانی، نتایج حاصل از تحلیل دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در این پژوهش را می‌توان با توجه به چارچوب نظری پژوهش، در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی فرهنگی دسته‌بندی کرد. هرکدام از دسته‌های یادشده، حاوی مولفه‌ها و شاخص‌های متعددی‌اند که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان عوامل احتمالی مهاجرت از افغانستان به کشورهای بیرونی و پیامدهای احتمالی این پدیده برای افغانستان و زندگی اجتماعی شهروندان کشور نام برد. مبتنی بر یافته‌های پژوهش، مضمون‌های اصلی استخراج‌شده از مصاحبه با کارشناسان، در این پژوهش، به شرح زیر تصنیف و جمع‌بندی می‌شوند:

دافعه و جاذبه موج اخیر مهاجرت از افغانستان

عوامل اقتصادی

اشتراک‌کنندگان در این پژوهش، از "نبود فرصت‌های کاری، فقر و پایین بودن کیفیت زندگی و نبود فرصت‌های اقتصادی در افغانستان" و از "وجود فرصت‌های کاری و ثبات اقتصادی در کشورهای غربی"، به‌عنوان عوامل اقتصادی برای مهاجرت به کشورهای بیرون از افغانستان یاد کرده‌اند. در این بخش هر مورد، کشور مبدأ و کشورهای مقصد، را به‌صورت جداگانه جمع‌بندی می‌کنیم:

الف: در کشور مبدأ

اشتراک‌کنندگان در پاسخ به پرسش این پژوهش به کمبود "فرصت‌های کاری، فقر و نبود استقرار اقتصادی" در افغانستان اشاره کرده‌اند و از این عوامل، به‌عنوان عوامل دافعه برای مهاجرت در کشور نام برده‌اند:

1. کمبود فرصت‌های کاری

کمبود فرصت‌های کاری یکی از موضوعات مطرح‌شده توسط اشتراک‌کنندگان این پژوهش می‌باشد که از آن به‌عنوان یکی از عوامل اصلی مهاجرت یادآوری شده است. به‌باور اشتراک‌کنندگان این تحقیق "نبود سرمایه‌گذاری اساسی و مهیا نبودن زمینه کار، مسائل مربوط به اشتغال، سرمایه‌گذاری ناکافی و نبود دورنمای اقتصادی" سبب شده تا شماری از شهروندان کشور درصدد خروج از کشور باشند.

2. فقر و پایین بودن کیفیت زندگی

اشتراک‌کنندگان در این پژوهش، "پایین بودن کیفیت زندگی و فقر" را از عوامل تأثیرگذار بر قصد مهاجرت در کشور تعریف کرده‌اند. اشتراک‌کنندگان این پژوهش معتقدند "مهاجرت به دلیل فقر"، یکی از سنت‌های دیرینه در بین شهروندان افغانستان است که همواره "به‌عنوان یک راه‌حل"، محل توجه شهروندان این کشور قرار گرفته است.

3. وجود مشکلات اقتصادی

اشتراک‌کنندگان از وجود مشکلات اقتصادی، به‌عنوان یکی دیگر از عوامل اقتصادی برای مهاجرت شهروندان افغانستان یادآوری کرده‌اند. به اعتقاد شرکت‌کنندگان در این پژوهش، این عامل، "مسبب خروج تعدادی از شهروندان از کشور" است. آن‌ها همچنین ناامیدی به آینده اقتصادی کشور و رکود اقتصادی، به دلیل نبود فرصت‌های کاری اشاره کرده و از این عوامل به‌عنوان دلایلی برای خروج افراد، و همراه با آن‌ها خروج سرمایه از کشور، یاد کرده‌اند.

ب: در کشورهای مقصد

اشتراک‌کنندگان این پژوهش، از "موجودیت فرصت‌های کاری و ثبات اقتصادی"، در کشورهای دیگر، به‌عنوان عوامل مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور نام برده‌اند.

1. فرصت‌های شغلی

شرکت‌کنندگان در این پژوهش، از "وجود فرصت‌های شغلی در کشورهای غربی"، کشورهای مقصد، برای مهاجرت نام برده و از "دستیابی سریع به کار، حمایت‌های مالی دولتی هنگام بیکاری، تأمین زندگی با مهیاسازی شرایط کاری، وجود قوانین حامی کار و کارگر و بیمه‌های شغلی"، به‌عنوان جاذبه‌های کشورهای غربی یاد کرده‌اند.

2. ثبات اقتصادی

یکی دیگر از جاذبه‌های کشورهای مقصد برای مهاجرت، در تعریف اشتراک‌کنندگان این پژوهش، ثبات اقتصادی در این کشورهاست. اشتراک‌کنندگان در این پژوهش معتقدند که "ثبات اقتصادی در کشورهای دیگر و وجود چشم‌انداز روشن اقتصادی و ثبات ارزی، برای سرمایه‌گذاری، علاوه بر موارد پیشین، از دلایل عمده مهاجرت‌ها از افغانستان، هم در گذشته و هم در حال حاضر، می‌باشد. اشتراک‌کنندگان در این پژوهش متعقدند اقتصاد کشورهای مقصد، از "ثبات" برخوردار است و این امر، "مایه دلگرمی شهروندان بومی و مهاجران" به این سرزمین‌ها می‌شود.

عوامل سیاسی

شرکت‌کنندگان در این پژوهش، به جنبه سیاسی مهاجرت در کشورهای مبدأ و مقصد نیز پرداخته‌اند و در پاسخ به سوال این پژوهش، از "مسائل مربوط به آزادی‌های شهروندی، مسائل مربوط به نبود مردم‌سالاری و مشکلات امنیتی"، به‌عنوان عوامل مهاجرت در کشور مبدأ، و در مقابل، از "ضمانت آزادی‌های شهروندی، مردم‌سالاری و ثبات سیاسی" به‌عنوان عوامل مهاجرت در کشورهای مقصد یادآوری کرده‌اند.

الف: در کشور مبدأ

اشتراک‌کنندگان در پاسخ به پرسش این پژوهش در این زمینه، به مسائل مربوط به آزادی‌های شهروندی و مردم‌سالاری، امنیت ناکافی و مشکلات سیاسی، "به‌عنوان عوامل سیاسی برای خروج از کشور و مهاجرت به بیرون، یاد کرده‌اند:

1. نبود تضمین آزادی‌های شهروندی و مردم‌سالاری

اشتراک‌کنندگان در این پژوهش از "دغدغه‌های آزادی‌های شهروندی" به‌عنوان یکی از عوامل مهاجرت یاد کرده و معتقدند که "مسائل مربوط به رابطه بین مردم و حکومت و مسئله مردم‌سالاری، مسائل مربوط به آزادی‌های فردی و جمعی و آزادی بیان و نبود روحیه مشارکت‌پذیری" سبب شده تا شهروندان، افغانستان را به مقصد دیگر کشورها ترک کنند.

2. ناامنی، تهدیدات امنیتی و جنگ

"امنیت ناکافی و جنگ" از جمله عوامل مهم دیگری‌اند که در دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش، به‌عنوان عوامل اصلی مهاجرت تعریف شده‌اند. به باور اشتراک‌کنندگان، "جنگ، نبود امنیت روانی و حملات تخریبی"، سبب شده تا افراد به‌دنبال محیط امن‌تر، کشور مبدأ را به‌هدف کشورهای غربی، ترک کنند.

3. مشکلات سیاسی

یکی از عوامل تأثیرگذار بر قصد مهاجرت، که در یافته‌های این پژوهش، برجسته شده، "مشکلات سیاسی" است که مورد توجه بسیاری از شرکت‌کنندگان قرار گرفته است. اشتراک‌کنندگان در این پژوهش معتقدند، "تشکیل حکومت‌های پی‌هم، استقرار حکومت‌های ناکام، وجود نهادهای حکومتی غیرموثر و مسئله به‌رسمیت‌شناسی امارت اسلامی" سبب شده تا انگیزه بسیاری از شهروندان برای خروج از کشور، تقویت شود.

ب: در کشورهای مقصد

اشتراک‌کنندگان در این پژوهش، مصاحبه‌شوندگان از "تضمین آزادی‌های شهروندی، مردم‌سالاری، تضمین امنیت جانی، ثبات سیاسی و وجود فرصت‌ها" به‌عنوان عوامل جاذبه برای مهاجرت به کشورهای مقصد یادآوری کرده‌اند.

1. تضمین آزادی‌های شهروندی

اشتراک‌کنندگان در این پژوهش از "تضمین آزادی‌های شهروندی" به‌عنوان یکی از عواملی تعریف کرده‌اند که "سبب شده تا شهروندان، کشورهای غربی را به‌عنوان مقصدی برای مهاجرت انتخاب کنند. به‌باور شرکت‌کنندگان در این پژوهش، مواردی نظیر "حقوق بشر و آزادی‌های شهروندی، ساختارهای مردمی، آزادی فکر و اندیشه، آزادی‌های سیاسی و فضای باز" از جمله مزایایی‌ست که شهروندان معتقدند با مهاجرت به کشورهای غربی، از آن بهره‌مند خواهند شد.

2. مردم‌سالاری

اشتراک‌کنندگان در این تحقیق، از "مردم‌سالاری موجود در کشورهای مقصد"، به‌عنوان جاذبه مهاجرتی نام برده‌اند. به باور آن‌ها، "نظام مردم‌سالار، فضای باز و آزاد و آزادی‌های فردی و سیاسی" سبب شده تا شهروندان به این کشورها مهاجرت کنند.

3. تضمین امنیت جانی

یکی از مقوله‌های دیگری که از پاسخ‌های اشتراک‌کنندگان در این پژوهش استخراج شده، "تضمین امنیت جانی" است. شرکت‌کنندگان از این مقوله، به‌عنوان یکی از عوامل مهم ترک کشور مادری یاد کرده‌اند. به‌باور مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش، کشورهای مقصد، به‌عنوان "کشورهای امن و پایدار، که در آن امنیت جانی افراد ضمانت می‌شود"، محل توجه شهروندان برای مهاجرت قرار می‌گیرند.

4. ثبات سیاسی و فرصت‌ها

یکی دیگر از عوامل جاذبه برای مهاجرت، که از سوی اشتراک‌کنندگان در این پژوهش، مطرح شده "ثبات سیاسی و فرصت‌های موجود در کشورهای مقصد" است. براساس یافته‌های این پژوهش، "فرصت اخذ شهروندی در کشورهای غربی، فرصت نقش‌آفرینی در عرصه سیاسی، موجودیت نظام قانون‌مدار، وجود سیستم و نبود فساد اداری" سبب ایجاد "ثبات سیاسی و فرصت‌ها" برای مهاجرین می‌شود.

عوامل اجتماعی، فرهنگی و آموزش و پرورش

همانگونه که در فصل چهارم دیدیم، اشتراک‌کنندگان در این پژوهش، به این پرسش که "به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و آموزش و پرورش، چه عواملی، در افغانستان و چه عواملی در کشورهای غربی به مثابه عوامل دافعه و جاذبه، باعث مهاجرت شهروندان افغانستان به خارج از کشور شده؟ پاسخ داده‌اند.

الف: در کشور مبدأ

اشتراک‌کنندگان، در پاسخ به این پرسش، از مسائل موجود در زمینه‌های "فرصت‌های تحصیلی و آزادی فکر و اندیشه" به عنوان عوامل تأثیرگذار بر قصد ترک کشور یاد کرده‌اند که در ادامه، به جمع‌بندی هر یک از مضامین به دست آمده می‌پردازیم:

1. کمبود فرصت‌های تحصیلی

شماری از اشتراک‌کنندگان در این پژوهش، از "کمبود فرصت‌های تحصیلی" به عنوان عامل مهم در قصد مهاجرت به خارج کشور یاد کرده‌اند. به اعتقاد آن‌ها، "کیفیت و دسترسی به تحصیلات عالی، مسدود بودن مراکز آموزشی برای دختران و آینده آموزشی و تحصیلی فرزندان"، از دغدغه‌هایی است که سبب شده تا افراد مهاجرت را بپذیرند.

2. مسائل مربوط به آزادی فکر و اندیشه

اشتراک‌کنندگان در این پژوهش از آن چه "مسئله نبود آزادی‌های فکر و اندیشه" خوانده‌اند، نیز به عنوان انگیزه‌ای برای مهاجرت یاد کرده‌اند و معتقدند "نبود آزادی‌ها سبب شده تا شهروندان به دنبال راه‌هایی برای ترک کشور" باشند. "همزمان، شرکت‌کنندگان در این پژوهش، از "وجود برخی تعصبات، عدم رعایت حقوق انسانی و نبود آزادی فکر و اندیشه در نظام آموزشی کشور" سخن گفته‌اند.

ب: در کشورهای مقصد

از اشتراک‌کنندگان در این پژوهش همزمان، از "فرصت‌های موجود تحصیلی و زندگی اجتماعی و فرهنگی، شرایط بهتر زندگی و وجود امکانات و خدمات اجتماعی" به عنوان جاذبه‌های کشورهای مقصد نام برده‌اند که به تعبیر آن‌ها سبب شده "شهروندان را به سمت خود جلب کرده و انگیزه خروج از سرزمین مادری را تقویت کرده‌اند.

1. فرصت‌های تحصیلی

در دیدگاه اشتراک‌کنندگان در این پژوهش، "فرصت‌های تحصیلی موجود در کشورهای مقصد"، به عنوان جاذبه‌هایی یاد شده که "شهروندان افغانستان را به سمت خود می‌کشاند". اشتراک‌کنندگان، از "نظام آموزش عالی پیشرفته، به‌ویژه برای بانوان، فرصت‌های تحصیلی و فرهنگ دگرپذیری مردم و جامعه"، به عنوان "عوامل جاذبه در کشورهای مقصد" نام برده‌اند. همزمان، برخی از شرکت‌کنندگان، "مهاجرت برای آموزش و تحصیل دختران" را یک "مهاجرت اجباری" خوانده‌اند که برای بسیاری از مهاجرت‌کنندگان، "یک امر ناگزیر" تعریف شده است.

2. آزادی در زندگی اجتماعی و فرهنگی

"آزادی در زندگی اجتماعی و فرهنگی"، موضوع مهم دیگری است که توسط شرکت‌کنندگان در این تحقیق، به عنوان عامل جاذبه مهاجرت به کشورهای مقصد تعریف شده است. به باور اشتراک‌کنندگان، "آزادی در برگزاری مناسک دینی اقلیت‌ها، تحمل فرهنگی و مذهبی، آزادی اجتماعی و احترام به نظریات دیگران"، عوامل مهمی‌اند که ممکن است انگیزه مهاجرت را در میان شهروندان کشور "تقویت" کرده باشد.

3. شرایط بهتر زندگی

"شرایط بهتر زندگی"، یکی از عوامل دیگر مهاجرت به کشورهای مقصد می‌باشد که توسط شرکت‌کنندگان این پژوهش مطرح شده است. به باور شرکت‌کنندگان، شهروندان "برای رسیدن به زندگی اقتصادی بهتر، کیفیت بهتر زندگی و مهیاسازی شرایط مناسب اجتماعی"، به کشورهای مقصد مهاجرت کرده‌اند و یا هم قصد مهاجرت دارند.

4. امکانات و خدمات (بهداشتی، ارتباطی، حمل و نقل)

شرکت‌کنندگان در این پژوهش، همچنین به جاذبه‌هایی نظیر "امکانات و خدمات در کشورهای مقصد" اشاره کرده و از آن‌ها به‌عنوان عوامل اصلی مهاجرت نام برده‌اند. به باور اشتراک‌کنندگان، "امکانات و خدمات پیشرفته بهداشتی، ارتباطی و حمل‌ونقل" از دیگر دلایل مهاجرت شهروندان افغانستان به خارج از کشور است.

یافته‌های پژوهش

این پژوهش با توجه به شرایط اجتماعی موجود و ساختار نظری، از نظریه "جاذبه و دافعه" اورت اس. لی (1966) برای تحلیل دلایل مهاجرت استفاده کرده است. این نظریه به عوامل مثبت و منفی مهاجرت و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری افراد می‌پردازد. لی معتقد است که عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌توانند نیروی انسانی را از یک کشور دفع و به کشور دیگر جذب کنند.

مهاجرت نخبگان تحت تأثیر دو عامل کشش و دفع قرار دارد. عامل کشش به مزایای کشورهای مقصد اشاره دارد که نخبگان را به مهاجرت ترغیب می‌کند. زمانی که خواسته‌ها و نیازهای نخبگان در کشور خود برآورده نمی‌شود، کشورهای توسعه‌یافته سعی می‌کنند این نخبگان را جذب کنند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل مهاجرت به دو دسته کلی دافعه و جاذبه تقسیم می‌شوند و شامل نوزده مضمون اصلی در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هستند. این عوامل نه تنها به شرایط داخلی، بلکه به ظرفیت‌های کشورهای مقصد نیز مرتبط است.

یافته‌های این پژوهش، همسو با پژوهش صدیقی و دیگران (1399)، با عنوان "بررسی مهاجرت و تأثیر آن (مطالعه موردی: افغانستان)"، "دلایل اقتصادی را یکی از دلایل مهم مهاجرت افغانستان تعریف می‌کند. براساس یافته‌های این پژوهش، مسایل اقتصادی در کشور و وجود ظرفیت‌های اقتصادی متفاوت، به‌تعبیر شرکت‌کنندگان، در کشورهای غربی، باعث مهاجرت شهروندان افغانستان به خارج از کشور شده است.

یافته‌های این پژوهش، همسو با پژوهش هاشمی و اوزی (2020) با عنوان "بررسی عوامل سیاسی مهاجرت افغانستان"، به جنگ و شرایط نامساعد امنیتی در کشور، به‌عنوان یکی دیگر از عوامل خروج شهروندان از کشور تأکید کرده و همزمان، همانند پژوهش یادشده، آشفتگی در اوضاع سیاسی را نیز مسبب تقویت انگیزه مهاجرت در بین شهروندان افغانستان می‌داند.

یافته‌های این پژوهش، همچنین، همسو با یافته‌های اکبری و دیگران (2023) با عنوان "بررسی دلایل مهاجرت داخلی در افغانستان" مهاجرت را محصول عوامل اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، سلامت و مسائل امنیتی می‌داند. این پژوهش، هرچند به‌لحاظ مطالعه نوع مهاجرت با پژوهش اکبری و دیگران متفاوت است، اما یافته‌ها نشان می‌دهد عوامل اقتصادی، آموزشی، سلامت و مسائل امنیتی، می‌توانند به‌عنوان انگیزه‌های مهاجرت در هردو بعد داخلی و خارجی مهاجرت، به‌مثابه انگیزه‌ها و محرک‌های مهاجرت و ترک دیار، محل توجه و مطالعه قرار گیرند.

یافته‌های این پژوهش، همزمان با برخی پژوهش خارجی انجام‌شده در مورد مهاجرت در افغانستان همخوانی دارد. ازجمله، یافته‌های پژوهش حاضر، همانند یافته‌های پژوهش ارول و ابودر (2022) با عنوان "دلایل مهاجرت از افغانستان به ترکیه: مثال منطقه اژه" نشان می‌دهد که جنگ و مسائل اقتصادی، از دلایل اصلی مهاجرت شهروندان افغانستان به خارج از کشور اند. این پژوهش اما، با یافته‌های پژوهش یادشده در مورد خصومت‌های قومی و خانوادگی مطابقت ندارد و هیچ‌یک از یافته‌های ما، به خصومت‌های خانوادگی و قومی، به‌عنوان دلایل موج اخیر مهاجرت اشاره نکرده‌اند.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه‌که در ابتداء گفته شد، مهاجرت عبارت از حرکت موقتی یا دائمی اشخاص و یا گروهی از مردم از یک جغرافیا به جغرافیای دیگر است (کوئن، 1382: 284). یا به‌تعبیر اورت اس. لی (1966: 49)، مهاجرت به‌طور کلی تغییر دائمی یا نیمه‌دائمی

محل سکونت است. در تعریفی دیگر، می‌توان گفت که مهاجرت مجموعه از فرایندها با ابعاد مختلف است که به عبور از مرزهای سیاسی کشور، به صورت فردی، خانوادگی و گروهی، انجام یافته که این فرایند به اقامت افراد در جغرافیای جدید می‌انجامد (زرقانی و موسوی، ۱۳۹۲: ۹)

مهاجرت به عنوان یک پدیده گسترده و پیچیده، تحت تأثیر عوامل مختلف قرار می‌گیرد. افراد ممکن است به دلایل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تحصیلی و خانوادگی به شهرها و کشورهای دیگر مهاجرت کنند. مهاجرت در انواع و اشکال مختلفی قابل تقسیم است. در تفکیک کلی، مهاجرت به دو صورت داخلی و خارجی یا بین‌المللی رخ می‌دهد. هرچند که هر دو بُعد داخلی و خارجی مهاجرت، دارای نتایج مثبت و منفی است، اما در مهاجرت خارجی یا بین‌المللی، بُعد امنیتی، کاملاً برای کشورها برجسته و حائز اهمیت است.

به این ترتیب، باتوجه به یافته‌های این پژوهش، در پاسخ به پرسش پژوهش می‌توان به عوامل مهاجرت از افغانستان، به عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی- اجتماعی و آموزش و پرورش اشاره کرد که در هم در کشور مبدأ، افغانستان، و هم در کشور های مقصد، محرک و تقویت کننده انگیزه‌های مهاجرت در بین شهروندان افغانستان به خارج از کشور شده است. هر یک از این سه عامل، به مولفه‌هایی دیگری تقسیم می‌شوند و در نهایت به عنوان عوامل مهاجرت در کشور، محل توجه و ارزیابی‌اند.

به لحاظ اقتصادی، باتوجه به یافته‌های این پژوهش، مولفه‌های نظیر "نبود فرصت‌های کاری، سطح پایین کیفیت زندگی و فقر و عدم ثبات اقتصادی در افغانستان"، عوامل دافعه‌ای تعریف شده‌اند که باعث خروج شهروندان از کشور شده‌اند. به همین گونه، "وجود فرصت‌های کاری و ثبات اقتصادی، جاذبه‌هایی تعریف شده‌اند که انگیزه مهاجرت به کشورهای غربی را در میان شهروندان کشور تقویت کرده‌اند.

به لحاظ سیاسی، براساس یافته‌های این پژوهش، مولفه‌های نظیر "مسائل مربوط به آزادی‌های شهروندی، مسائل مربوط به مردم‌سالاری و تهدیدات امنیتی"، به عنوان دافعه، و در مقابل، "ضمانت آزادی‌های شهروندی، مردم‌سالاری و ثبات سیاسی" به عنوان جاذبه‌های مهاجرت به کشورهای غربی تعریف شده‌اند.

به لحاظ اجتماعی- فرهنگی و آموزش و پرورش، براساس یافته‌های این پژوهش، "مسائل موجود در زمینه‌های فرصت‌های تحصیلی، به ویژه برای دختران، آزادی فکر و اندیشه و خدمات اجتماعی" به عنوان عوامل تأثیرگذار بر قصد ترک کشور تعریف شده‌اند که با مولفه‌های متقابل خود در کشورهای غربی، انگیزه مهاجرت در میان شهروندان کشور را تقویت کرده‌اند.

پیش‌نهادهای راه حل‌ها

الف: برای امارت اسلامی افغانستان

۱. ایجاد فرصت‌های شغلی: امارت اسلامی باید با سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی، به ویژه در صنایع و کشاورزی، فرصت‌های شغلی بیشتری را فراهم کند تا نرخ بیکاری کاهش یابد.
۲. بهبود شرایط زندگی: برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی باید برای افزایش کیفیت زندگی و کاهش فقر طراحی شوند. این شامل دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و اجتماعی مناسب است.
۳. تقویت نهادهای مردمی: امارت باید با ارتقاء آزادی‌های شهروندی و تقویت امنیت، اعتماد عمومی را افزایش دهد و زمینه‌ای برای مشارکت فعال مردم در امور سیاسی فراهم کند.

ب: برای دولت‌های میزبان

۱. پذیرش و حمایت از مهاجران: دولت‌های میزبان باید سیاست‌های شفاف برای پذیرش مهاجران داشته باشند و به آن‌ها در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی کمک کنند.
۲. برنامه‌های ادغام فرهنگی: برگزاری برنامه‌های آموزشی و فرهنگی برای تسهیل ادغام مهاجران در جامعه میزبان و حفظ هویت فرهنگی آن‌ها مهم است.

ج: برای محققان آتی

1. تحقیق در زمینه عوامل مهاجرت: محققان باید به بررسی عمیق‌تر عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موثر بر مهاجرت بپردازند.
 2. مطالعه تأثیرات مهاجرت: بررسی تأثیرات مهاجرت بر کشورهای مبدأ و مقصد و تحلیل پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن می‌تواند به درک بهتر این پدیده کمک کند.
 3. توسعه مدل‌های نظری: محققان باید به توسعه مدل‌های نظری و کاربردی در زمینه مهاجرت بپردازند که به سیاست‌گذاران در اتخاذ تصمیمات بهتر کمک کند.
- با اجرای این پیشنهادات، می‌توان به کاهش مهاجرت‌های اجباری چند دهه، و بهبود شرایط زندگی در افغانستان کمک کرد و همچنین از توانمندی‌های مهاجران در کشورهای میزبان بهره‌برداری کرد.

تضاد منافع

نویسنده مقاله اعلام می‌دارد که، هیچ‌گونه تضاد منافع مالی و یا غیر مالی که بر نتایج تحقیق تأثیر بگذارد، وجود ندارد. ارائه نتایج تحقیق به صورت شفاف و به گونه‌ای بی‌طرفانه، انجام شده است.

منابع و مأخذ

- [illegible]

[/5836438https://www.mehrnews.com/news/](https://www.mehrnews.com/news/5836438)

12. دهخدا، علی اکبر (1377). *لغت‌نامه دهخدا*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
13. رادیو آزادی، ملل متحد: افغانستان در جمع پنج کشور دارای بیشترین تعداد آواره‌گان اجباری جهان قرار دارد، تاریخ نشر: 25 جوزا 1403، قابل دسترسی در:
<https://da.azadiradio.com/al.html32993217>
14. رادیو آزادی (1402). "رویدادهای دوسال گذشته در افغانستان موج تازه‌ی از مهاجرت‌های دسته‌جمعی را سبب شده است"، قابل دسترسی در پیوند زیر:
<https://da.azadiradio.com/al.html32547388>
15. رسولی، یاسین، سه نسل از افغان‌ها در ایران؛ مهاجرت افغان‌ها چگونه آغاز شد و چطور اوج گرفت؟، نشر شده در وبسایت بی بی سی فارسی، تاریخ نشر: 8 آبان 1403، قابل دسترسی در:
<https://www.bbc.com/persian/articles/cwnno9329y98>
16. رستمی حصوری، هاجر (1393). "اثر مهاجرت نیروی انسانی متخصص (فرار مغزها) بر فقر در کشورهای درحال توسعه"، تهران: فصل‌نامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، 2(5).
17. رستمی، هانی (1394). "آثار مهاجرت نیروی کار متخصص بر بازار کار"، ماه‌نامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره 190، اسفندماه/ حوت.
18. رومینا، ابراهیم، علوی شوشتری، سیده زهرا و حافظ‌نیا، محمدرضا. (1399). بازتاب‌های سیاسی مهاجرت‌های بین‌المللی از خاورمیانه به اروپا. فصل‌نامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، 16(59)، 29-51.
19. زرقانی، سید هادی و موسوی، سیده زهرا (1392). "مهاجرت‌های بین‌المللی و امنیت ملی"، تهران: فصل‌نامه مطالعات راهبردی، 16(1).
20. زنجانی، حبیب‌الله (1380) *مهاجرت*، تهران: انتشارات سمت.
21. صبوچی لکی، بهروز (1394). "مدیریت مهاجرت بین‌الملل و بررسی فرصت‌ها و تهدیدات پدیده مهاجرت"، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، قابل دسترسی در:
<https://sid.ir/paper/fa873230>
22. صدای آمریکا، سازمان بین‌المللی مهاجرت: برگشت ۶۰ درصد مهاجران افغان از ایران اجباری بوده است، تاریخ نشر: 23 میزان 1403، قابل دسترسی در:
<https://www.darivoo.com/a/iom-says-percent-of-deportees-from-iran-are-forced-return-to-60>
23. صدای آمریکا، حدود هشت میلیون افغان در پنج سال گذشته مهاجر شده‌اند، تاریخ نشر: 12 اسد 1403، قابل دسترسی در:
<https://www.darivoo.com/a/about-eight-million-afghans-have-migrated-in-the-past-five-years-iom-reported/>
24. عبدالله، نظام‌الدین (1397) *حقوق بین‌الملل خصوصی، شرح قانون مدنی*، چاپ یازدهم، کابل: انتشارات سعید.
25. عسگری، حشمت‌الله، تقوی، مهدی، عسکری، منوچهر، و شاکری، عباس. (1387). بررسی علل فرار مغزها از کشورهای درحال توسعه به کشورهای OECD در قالب مدل جاذبه. فصل‌نامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی)، 25 (2) (پیاپی 17)، 1-22.
26. فراهمل، خان محمد (1397). *حقوق بین‌الملل خصوصی 1 «قواعد ماهوی»*، هرات: انتشارات قدس.

27. فیروزی، سیدمحمد، مهاجرت افغانستانی ها به ایران؛ جاذبه های مقصد چیست؟، مؤسسه آینده پژوهی جهان اسلام، نشر شده در تاریخ 17 مرداد 1402، قابل دسترس در:
<https://iiwfs.com>
28. کاگر، احمد جاوید، ای/وام: در حدود دو سال گذشته بیش از سه و نیم میلیون افغان مهاجرت کرده اند، آژانس خبری پژواک، تاریخ نشر: 8 جنوری 2023، قابل دسترس در:
<https://pajhwok.com/fal/leawam-more-than-three-and-a-half-million-afghans-have-migrated-in-08/06/2023https://pajhwok.com/fal/the-last-two-years>
30. کریمی، حبه، امریکا؛ حمایت از ۴۰ هزار افغان با وجود دریافت ویزا متوقف شد، خبرگزاری دویچ وله آلمان، تاریخ نشر: 7 دلو 1403، قابل دسترس در:
<https://www.dw.com/fa-af/>
31. کوئن، بروس (1382). *مبانی جامعه شناسی*، ترجمه و اقتباس، غلام عباس توسلی و رضا فاضل، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات سمت.
32. مفتخری، علی، جعفری، محمد، ابونوری، اسمعیل و نادمی، یونس (1402). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر فرار مغزها در کشورهای عضو سازمان همکاری های شانگهای. *دوفصلنامه علمی مطالعات و سیاست های اقتصادی* 10(1)، 153-174.
33. مقدس، علی اصغر و شرفی، تکیه (1388). "بررسی عوامل برانگیزاننده گرایش به مهاجرت های بین المللی جوانان 18-30 ساله شهرهای شیراز و ارسنجان"، *مجله جامعه شناسی ایران*، 10(1).
34. وحیدی، پریدخت (1364). *مهاجرت های بین المللی و پیامدهای آن*، تهران: وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک فنی و کتابخانه مرکزی.
35. Denisson, James (2022). "How Migrant Resource Centres affect migration decisions: Quasi-experimental evidence from Afghanistan, Bangladesh, Iraq and Pakistan." *International Migration*, 61(4).
36. Lee, Everett S. (1966). *A Theory of Migration, Demography*, Vol. 3, No. Published by: Population Association of America.